



آشنایی با قوه قضائیه

ستاد بزرگداشت هفته
قوه قضائیه
۱۳۸۳

سخنی با هموطنان ارجمند

دادگاه برای غالب افراد تداعی گر مکانی است که به اختلافات مردم رسیدگی می کند و با استفاده از قدرت خود و بر اساس قانون ، میان طرفین اختلاف و دعوا حکم می کند و نیز قانون شکنان را مجازات می نماید ، از این نظر دادگاه جایی است که مظلومان و صاحبان حق ، چشم امید به آن دارند و زشتکاران و متجاوزان به حقوق دیگران از آن بیمناکند .

با این حال ، غالباً دستگاه قضائی برای آنهایی که هیچگاه گذارشان به آنجا نیفتاده است جلوه ای متفاوت دارد ، گویی آنجا مکانی است که افراد درستکار و عادی جامعه کمتر گذارشان به آنجا می افتد و مراجعان دادگاه ها را عمدتاً طیف خاصی از انسان ها تشکیل می دهند .

اما واقعیت این است که نه مراجعان دادگاه ها را دسته های خاصی از انسان ها تشکیل می دهند و نه صرفاً افراد قانون شکن و بدکردار به آنجا گذر می کنند . شاید بتوان گفت معمولاً نیمی از مراجعان به دادگاه ها ، صاحبان حقی هستند که برای به دست آوردن حقوق خویش چشم امید به آنجا دوخته اند . و از میان نصف دیگر نیز که به ظاهر ، متجاوزان به حق به نظر می رسند ، باز بسیاری کسانی که بر اثر سوء تفاهم یا ادعایی واهی و بی اساس ، به عنوان متهم یا خوانده به دادگاه احضار گردیده اند.

در حقیقت ، این احتمال برای هر عضو جامعه وجود دارد که روزی با دادگستری سروکار داشته باشد . خواه به عنوان کسی که برای احقاق حق خویش به آن توسل جوید و خواه به عنوان کسی که از سر ناآگاهی و غفلت، حقوق دیگران را مورد تجاوز قرار داده و از سوی آنان به دادگاه احضار شود .

لذا آشنایی با ساختار کلی دستگاه قضایی و نظام دادگستری کشور و حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد آن هم ما را کمک خواهد کرد تا با برخورداری از آگاهی‌های ضروری ، بهتر و سریعتر به حقوق حقه

**آیا تاکنون از خود
پرسیده‌اید که تا
چه حد با دستگاه
قضائی کشور
آشنائی دارید؟**

خویش دست یابیم و هم دستگاه عدالت را یاری خواهد کرد تا سبکبار از دعاوی بیهوده و نادرست و مشکلات و گرفتاری‌های ناشی از ناآگاهی مراجعان خود ، با فراغت و فرصت بیشتری به دعاوی مهم و قانون شکنی‌های جدی بپردازد و در تعمیم عدالت در جامعه بکوشد. ان شاء...

**آگاهی‌های حقوقی
از نیازهای اساسی زندگی
در جوامع کنونی است.**

اقتدار و قدرت دادگاه

دادگاه صرف نظر از نوع اختلاف و دعوایی که به آن ارجاع می‌شود، برای حل و فصل اختلاف و دعوای موردنظر، از قدرت و اقتدار زیادی برخوردار است.

- می‌تواند مردی را که نفقه همسر خود را نمی‌پردازد، ملزم به پرداخت آن نماید و یا زنی را که از انجام وظایف زناشویی خودداری می‌کند نسبت به تمکین از شوهر وادار نماید.

- قادر است شخصی را که به زور، خانه دیگری را تصرف کرده با توسل به قوای انتظامی از خانه مذکور بیرون کند.

- و در موارد جرایم مهم، می‌تواند مجازات‌های شدیدی همانند حبس‌های طولانی مدت، شلاق، جریمه‌های سنگین نقدی و حتی اعدام را نسبت به محکومان اعمال نماید.

اما به راستی دادگاه این قدرت و اقتدار را چگونه به دست می‌آورد؟ به چه مبنایی از چنان قدرتی برخوردار می‌گردد که برای تحقق و اجرای عدالت، افراد را نسبت به اجرای تصمیمات خود ملزم می‌سازد و در موارد مقتضی مجازات‌های قانونی را نیز نسبت به آنها اعمال می‌نماید؟ و نیز چگونه است که این قدرت و اقتدار صرفاً در اختیار دادگاه قرار می‌گیرد و غیر از قضات، اشخاص دیگر، حتی مقامات عالی کشوری همانند وزراء و نمایندگان مجلس قادر نیستند هیچکدام از اختیاراتی را که دادگاه از آن برخوردار است اعمال نمایند؟

پاسخ این پرسش را باید در مفهوم حاکمیت جستجو کرد.

لزوم حکومت

انسان ، موجودی است که به صورت اجتماعی زندگی می کند و طبیعی است که در زندگی اجتماعی ، وجود امیال و خواسته های متفاوت و گاه متعارضی افراد مختلف ، و همچنین ، چیرگی صفات رذیله ای همانند زیاده خواهی ، منفعت طلبی مفرط ، سرسپردگی به امیال و شهوات نفسانی در برخی افراد باعث بروز اختلاف میان انسان ها و لطمه دیدن نظام اجتماعی می شود .

به همین جهت برای اداره صحیح امور جامعه و تنظیم روابط میان افراد اجتماع ، وجود یک نظام حکومتی ضروری است . البته شکل و شیوه عمل این نظام حکومتی می تواند بسته به شرایط هر جامعه تا حدودی متفاوت باشد .

انسان از آغاز زندگی	اجتماعی تا دوران معاصر ،
اشکال و انواع مختلفی از	حکومت را تجربه کرده
است و بویژه در دوران	اخیر تحولات زیادی در
این زمینه به وجود آمده و	به مرور این امکان فراهم
گردیده است که	نظام های حکومتی ، بیش
از پیش ، تبلور حاکمیت مردم آن جامعه باشند . در واقع	مردم یک جامعه به انتخاب خود حکومتی را برمی گزینند و
حق حاکمیت خویش را به آن می سپارند تا به نمایندگی	آنان اداره امور جامعه را بر عهده گیرد و در عین حال با هر
عاملی که نظام اجتماعی را تهدید می نماید مقابله کند .	

برای اداره صحیح
امور جامعه و تنظیم
روابط میان افراد
اجتماع ، وجود یک
نظام حکومتی
ضروری است .

نظام حکومتی ایران

در کشور ایران نیز، نظام حکومتی، تبلوری از حاکمیت ملت است. انتخاب مردم مسلمان ایران از میان نظام‌های مختلف حکومتی «جمهوری اسلامی» بوده است. بر اساس نخستین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«مکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به مکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید مضرت آیت الله العظمی امام خمینی در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت $98/7\%$ کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد»

در واقع ملت ایران حق حاکمیتی را که خداوند به انسان‌ها ارزانی داشته است در چهارچوب اصول قانون اساسی به نظام حکومتی کشور تفویض می‌نمایند. بنابر اصل پنجاه و ششم قانون اساسی «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر

سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند»

حاکمیت

مطلق بر

جهان و

انسان از آن

خداست.

نظام حکومتی ایران تبلوری

از حاکمیت ملت است.

بر اساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اسلام بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند.»

اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی:

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد.

اصل شصتم قانون اساسی:

اعمال قوه مجریه جز در مواردی که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است.

اصل شصت و یکم قانون اساسی:

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

لذا می توان ملاحظه کرد که قدرت دادگاه ها به عنوان بخشی از حکومت، ناشی از قدرت حاکمیتی است که از سوی خود مردم به آنها واگذار شده است.

قوه قضائیه

قوه قضائیه به عنوان یکی از قوای سه گانه حاکم در جمهوری اسلامی ایران، برای اعمال وظایف و اختیارات خود از ساختار خاصی برخوردار است و مسئولیت‌های مختلفی را نیز بر عهده دارد.

بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی:

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

**۱ رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات،
تعدیلات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع
خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از
امور حسبه که قانون معین می‌کند.**

این بند ناظر به آشکارترین و در عین حال اصلی‌ترین وظیفه قوه قضائیه است که اکثر مردم با آن آشنائی دارند. این امر به عنوان اصلی‌ترین وظیفه قوه قضائیه بخش اعظم توان و امکانات این قوه را به خود معطوف می‌سازد. در عین حال دامنه گسترده و آشکار این وظیفه، شاید در ذهن بسیاری از مردم این تصور را ایجاد نماید که قوه قضائیه صرفاً عهده دار انجام این وظیفه است در حالی که قوه قضائیه وظایف گسترده و در عین حال متنوع دیگری را نیز بر عهده دارد.

**۲ احیای حقوق عامه و گسترش عدل و
آزادی‌های مشروع**

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق مختلفی برای مردم در نظر گرفته شده است. و فصل سوم

قانون اساسی نیز تحت عنوان حقوق ملت تنظیم شده است و لذا یکی از اصلی ترین وظایف قوه قضائیه این است که با توسل به اقدامات مقتضی و ایجاد تشکیلات لازم و ضروری در جهت احیای حقوق پیش بینی شده برای مردم و گسترش عدالت و آزادیهای مشروع تلاش نماید.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

قانون اساسی چهارچوب اصلی قدرت و رابطه میان دولت و مردم را مشخص می کند. قوانین عادی نیز برای اداره مناسب امور جامعه از سوی مجلس شورای اسلامی وضع می گردند. طبیعی است به منظور تحقق قانون اولاً همه افراد، سازمان ها و نهادهای دولتی و خصوصی باید فعالیت های خود را به حدود قانونی محدود سازند و ثانیاً قوانین مصوب مورد اجرا قرار گیرند و احیاناً قوانینی که به منظور تأمین حقوق مردم و جامعه وضع شده اند بر اساس اهمال یا فراوانی مشغله های اجرایی مسئولان مرتبط، مغفول واقع نشوند. حال وظیفه نظارت بر این امر مهم بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است. قوه قضائیه نیز برای نیل به این هدف، برخوردار از سه سازمان مهم می باشد که از ارکان اصلی تشکیل دهنده آن محسوب می شوند و عبارتند از:

۱- دیوان عالی کشور

۲- دیوان عدالت اداری

۳- سازمان بازرسی کل کشور

که در ادامه به این سازمان های مهم اشاره خواهد شد.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام

قوانین حاکم بر هر جامعه باید از سوی تمام افراد، مورد رعایت قرار گیرند و با این حال در میان مجموعه قوانین هر کشور، پاره ای از آنها برای تأمین امنیت و

سلامت فرد و جامعه از چنان اهمیتی برخوردار می‌باشند که سرپیچی از آنها موجب سلب آسایش و هرج و مرج و زیان‌های شدیدی نسبت به جان و مال و حیثیت افراد می‌شود و به همین سبب تخلف از آنها و رعایت ننمودن آنها جرم نامیده می‌شود.

وظیفه کشف موارد جرم و تعقیب و مجازات مرتکبان جرایم، بر اساس قانون اساسی بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است. این قوه به منظور انجام این وظیفه مهم، نیروی انتظامی را تحت امر خود دارد تا وظایف مربوط به ضابطین قضائی را انجام دهند.

قوة قضائیه با
ارائه لایحه افشاء
پلیس قضائی در حدود
استفاده از ضابطین
متممکن و کارآمد
می‌باشد و ان شاء الله
به زودی محقق
خواهد شد.

۵ اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

بر اساس این بند، دو وظیفه متفاوت بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است: نخست، انجام اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و دوم انجام اقدامات مناسب برای اصلاح مجرمین

الف) پیشگیری از وقوع جرم

پیشگیری از جرم ممکن است گاهی جنبه موقتی داشته باشد و در شرایط خاصی یا استفاده از تمهیدات نظامی یا انتظامی، مراقبت‌های ویژه و اتخاذ تدابیر مناسب، تلاش شود تا از وقوع برخی جرایم در جامعه پیشگیری شود اما مفهوم اصلی پیشگیری از جرم این است که سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی جامعه، باید به گونه‌ای باشد که زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه کم شود یا از بین برود.

در این مفهوم از پیشگیری، هر چند به صراحت قانون اساسی، قوه قضائیه نقش اساسی بر عهده دارد اما طبیعی

است انجام آن به تنهایی مقدور نیست و دو قوای حاکم دیگر یعنی قوه مقننه و قوه مجریه نیز باید در این زمینه فعال باشند، بویژه آن که انجام اقدامات مقتضی برای این امر نیازمند اعتبارات مالی است که باید از سوی قوای مزبور در بودجه سالانه قوه قضائیه پیش بینی شود و در اختیار آن قرار گیرد.

ب) اصلاح مجرمین

هر چند در قوانین برای مجرمان، مجازات‌هایی پیش بینی و نسبت به آنها اعمال می‌گردد ولی هدف مجازات‌های فوق، انتقام جویی از مجرمان یا اعمال بی هدف مجازات‌های مختلف بر آنها نیست بلکه غالب مجرمان بر اساس جهل و ناآگاهی، شرایط خاص اقتصادی، فقر فرهنگی و ... مرتکب جرم می‌شوند و لذا یکی از اصلی‌ترین اهداف مجازات‌ها باید اصلاح و بازپروری مجرمین باشد، یعنی کسانی که به هر دلیل مرتکب جرم شده‌اند از شرایطی برخوردار شوند که با ارائه آموزش‌های لازم به آنها و با انجام اقدامات تربیتی و درمانی لازم بر روی آنها، از امکان بازگشت مجدد و سالم به جامعه برخوردار گردند و بتوانند پس از تحمل مجازات، به عنوان یک فرد عادی و مفید به جامعه بازگردند.

در موامع کلونی به دلیل این که مجازات‌های سائب آزادی یا زندان به متداولترین مصافات تبدیل شده است، بفیل قابل تومهن از هدف اصلاح مجرمین باید در زندان‌ها و مراکز نگهداری مجرمین ممقق شود. در ایران سائبان زندان‌ها و اقدامات تأمیلی و تربیتی در این زمینه فعالیت می‌کند و در عین حال کانون‌های اصلاح و تربیت نیز که مفتن نگهداری اطفال و تومهانان می‌باشند از اهمیت فراوانی برخوردار هستند.

ریاست قوه قضائیه

قوه قضائیه یکی از قوای سه گانه حاکم در جامعه محسوب می شود و عهده دار وظایف و مسئولیت های مهم و خطیری است. لذا در قانون اساسی برای شخصی که عهده دار مسئولیت های آن می گردد شرایطی در نظر گرفته شده است و انتخاب وی نیز به مقام رهبری واگذار گردیده است. بر اساس اصل ۱۵۷ قانون اساسی:

به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی ، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالترین مقام قوه قضائیه است.

و در اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیز وظایف رئیس قوه قضائیه تعیین شده است:

وظایف و مسئولیت های رئیس قوه قضائیه :

۱- اداره امور قوه قضائیه

اداره صحیح امور قوه قضائیه ، با توجه به گستردگی وظایف و مسئولیت های آن ، وظیفه مهمی است که رئیس قوه قضائیه بر عهده دارد و البته در انجام آن از کمک های معاونان خویش و دیگر مسئولان عالی قوه قضائیه نیز بهره مند است.

۲- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری

برای انجام وظایفی که در قانون برای قوه قضائیه پیش بینی شده است وجود تشکیلات تخصصی مختلف ضروری است. به همین سبب ریاست قوه قضائیه با توجه به نیازمندی‌های قوه و اهداف آن، تشکیلات لازم را در دستگاه قضائی ایجاد می‌نماید.

شورای عالی توسعه قضائی را می‌توان یکی از نمونه‌های این امر محسوب نمود که مدتی پس از انتصاب آیت الله هاشمی شاهرودی به ریاست قوه قضائیه به ابتکار ایشان و با درک ضرورت ایجاد توسعه در بخشهای مختلف قوه قضائیه شکل گرفت. تیم مرکز با برافروزی از کمیسیون‌های مختلف، در درازمدت می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح ساختار و بهبود عملکرد و فعالیت دستگاه قضائی کشور ایفا نماید.

۳- تهیه لوایح قضائی

اساس کار قضاوت در دادگاه‌ها قانون است. آنها پس از رسیدگی به اختلافات و دعاوی مردم، در نهایت احکام خود را بر اساس قوانین موجود صادر می‌نمایند. بدین لحاظ می‌توان گفت قضاوت بهتر از هر کس، عملاً نواقص و نارسائی‌های قانونی را می‌بینند و می‌توانند برای بهبود و اصلاح قوانین، پیشنهادات خود را مطرح نمایند و لذا با توجه به این که رئیس قوه قضائیه عالی‌ترین مقام قضائی کشور محسوب می‌شود و با قضاوت و دست اندرکاران دستگاه قضائی در ارتباط است، یکی از وظایفی که قانوناً در اختیار وی نهاده شده تهیه آن دسته از لوایح قضائی است که ضرورت وجود آنها احساس می‌شود.

مذاکراتی که یک قانون در شرف شکل‌گیری است ، ابتدا پیش نویس آن تهیه می‌شود و به مجلس ارائه می‌گردد و پانزده متن پیش‌نویس از تصویب مجلس و شورای نگهبان گذشت ، قانون نامیده می‌شود . حال متن پیش نویس ارائه شده به مجلس ، اگر از سوی نمایندگان مجلس تهیه شده باشد طرح نامیده می‌شود و اگر از سوی قوه مجریه یا قضائیه تهیه شده باشد لایحه نامیده می‌شود.

۴- استخدام قضات

شغل قضا از مهم‌ترین و در عین حال حساسترین مشاغل جامعه است لذا طبق اصول ۱۵۶ و ۱۶۳ قانون اساسی انتخاب و استخدام قضات بر اساس شرایط و ضوابط قانونی ، از سوی رئیس قوه قضائیه صورت می‌گیرد.

۵- پیشنهاد عفو و یا تخفیف مجازات مجرمان

براساس بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی ، عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی از جمله اختیارات مقام رهبری است . با این حال با توجه به اشراف رئیس قوه قضائیه به مسائل مربوط به محکومان ، پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان از سوی رئیس قوه قضائیه صورت می‌گیرد .

اهداف دستگاه قضائی در قانون اساسی و نظام اساسی
عمدتاً در دو محور کلان و کلی تنظیم شده است.

محور اول : قضاوت

محور دوم : نظارت

آیت الله هاشمی شاهرودی

۶- پیشنهاد وزیر دادگستری

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدای غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

۷- رسیدگی به داری مقامات سیاسی

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

۸- تعیین نماینده در صدا و سیما

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورائی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) بر این سازمان، نظارت خواهند داشت.

**قوه قضائیه ملجا و
پناهگاه مردم ستمدیده
است.**

امام خمینی (ره)

۹- پیشنهاد اعضای حقوق‌دان شورای نگهبان

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است.

شش نفر حقوق‌دان در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوق‌دانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

البته علاوه بر این موارد، رئیس قوه قضائیه مسئولیت‌های متفرقه دیگری نیز از جمله عضویت در شورای موقت رهبری، شورای بازنگری قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر عهده دارد.

**قوه قضائیه بازوی توانمند
نظام اسلامی است.**

مقام معظم رهبری

وقتی با کسی اختلاف مهمی دارید که از راههای عادی قابل حل نیست و یا از دست کسی شتایتی دارید به کما مراجعه می کنید؟

دادگاهها:

قوه قضائیه بخش اعظم وظایفی را که بر عهده دارد از طریق دادگاهها انجام می دهد اما دادگاهها دارای تقسیم بندی هایی می باشند و میان آنها تفاوت هایی نیز موجود است. برخی از آنها عمومی هستند یعنی هر شخصی هر گونه دعوایی داشته باشد می تواند به آنها مراجعه نماید و از دادگاه های مزبور رسیدگی به دعوای خود را تقاضا کند. با این حال عمومی بودن این دادگاه ها مطلق نیست بلکه این دادگاه ها به همه نوع اختلاف و دعوی رسیدگی می کنند مگر آن دسته از دعوای که طبق قانون در حیطه وظایف و صلاحیت دادگاه های خاصی قرار گرفته است. به عنوان مثال:

به جرایم مرتبط با مواد مخدر، دادگاه انقلاب رسیدگی خواهد کرد.

چنانچه یک نظامی در جهت انجام وظایف خود مرتکب جرمی شود، دادگاه نظامی به جرم وی رسیدگی خواهد شد.

به همین سبب، چنانچه دعوای مرتبط با مواد مخدر، یا مرتبط با جرم یک فرد نظامی و یا اعتراض به تصمیمات غیرقانونی یک نهاد دولتی، به دادگاه عمومی ارجاع شود، دادگاه مزبور به اختلاف فوق رسیدگی نخواهد کرد چرا که رسیدگی به آن، در صلاحیت دادگاه خاصی قرار دارد.

دیوان عالی کشور

عالی ترین دادگاه

کشور محسوب

می شود.

تشکیل دادگاه‌های خاص، می‌تواند ناشی از دلایل مختلفی باشد، اما عمدتاً این دادگاه‌ها به دو دلیل در دستگاه دادگستری ایجاد می‌گردند:

۱- به اعتبار ماهیت دعوا یا جرم

امروزه، موضوعات حقوقی بسیار گسترده و پیچیده شده‌اند و برخی از موضوعات به گونه‌ای هستند که از ظرافت و پیچیدگی خاصی برخوردار می‌باشند و رسیدگی به آنها نیازمند تخصص، تبحر و تجربه کافی است. به عنوان نمونه دعاوی و اختلافات مربوط به مسائل خانوادگی از این قبیل هستند، پیچیدگی روابط خانوادگی و اختلافاتی که از آن ناشی می‌شود ایجاب می‌کند که قاضی رسیدگی کننده به آن، علاوه بر تخصص قضایی و حقوقی، در زمینه‌های مختلف دیگری نیز تبحر داشته باشد و در عین حال، از تجربه قضایی کافی برخوردار باشد تا بتواند دعاوی ناشی از اختلافات خانوادگی را به بهترین نحو حل و فصل کند.

۲- به اعتبار طرفین دعوا یا متهم

برخی از دادگاه‌های اختصاصی نه به اعتبار موضوعی که رسیدگی می‌کنند بلکه به اعتبار اشخاص و برای رسیدگی به دعاوی افراد خاص تشکیل می‌گردند. وقتی یک نظامی، در حین انجام وظیفه مرتکب عملی شود که بر اساس قانون جرم است شاید قاضی دادگاه عمومی نتواند شرایط و وضعیت یک فرد نظامی را در حین ارتکاب عمل فوق، درک کند. به همین سبب به جرایم افراد نظامی در دادگاه‌های خاص نظامی رسیدگی می‌شود و قضات دادگاه‌های مزبور نیز عمدتاً از میان نظامیان انتخاب می‌شوند.

نهاد دادگستری متشکل از مجموعه تمام

دادگاه‌های عمومی و اختصاصی است.

دادگاه های عمومی

دادگاه های عمومی متداول ترین دادگاه ها محسوب می شوند که به اکثر دعاوی و اختلافات افراد جامعه رسیدگی می کنند. عموماً دعاوی و اختلافاتی که به دادگاه ها ارجاع می شوند به دو دسته مختلف تقسیم می گردند که عبارتند از دعاوی حقوقی و دعاوی کیفری. این دو دسته دعاوی هم به لحاظ ماهیت موضوع یا همدیگر اختلاف دارند و هم روال رسیدگی به هر کدام از آنها تا حدودی متفاوت با دسته دیگر دعاوی می باشد.

دعاوی حقوقی

همه انسان ها در زندگی خود از حقوقی برخوردارند که رعایت آنها از سوی دیگران الزامی است. اما گاهی این حقوق می تواند مورد غفلت، بی توجهی و تجاوز دیگران قرار گیرد و گاهی نیز ممکن است، حتی مورد اختلاف دو یا چند نفر باشد و هر کدام خود را صاحب حق محسوب نمایند. تصور کنید اگر در وضعیت هایی مشابه موارد زیر قرار گیرید چکار می کنید؟

یک روز درب یکی از اتاق های خانه تان را باز می کنید و مشاهده می نمایید که بر اثر بی توجهی همسایه آب از دیوار خانه نشت کرده و بسیاری از وسایل منزلتان خراب شده است و همسایه مزبور نه تنها حاضر به جبران خسارت شما نیست بلکه اصلاً به روی خود نیز نمی آورد که مقصر است.

یکی از دوستان یا آشنایان شما از بانک وامی دریافت می کند و شما به عنوان ضمانت وی پشت سفته او را امضا می کنید، اکنون به علت عدم پرداخت اقساط وام بانک اقدام به برداشت وجه از حساب شما نموده است و فرد یاد شده نیز اصلاً توجهی به این موضوع ندارد و حاضر به پرداخت وجه شما نیست.

طبیعی است در موارد بالا، حق کاملاً آشکار است و حتی افراد عادی جامعه هم می توانند آن را تشخیص دهند لذا ممکن است اختلافات با یا درمیان دیگران بویژه بزرگترها و ریش سفیدها حل شود. در غیر اینصورت فرد ناگزیر از مراجعه به دادگاه خواهد بود.

اما گاهی تشخیص حق و صاحب حق به سادگی امکان پذیر نیست و احقاق حق هر کس کاری تخصصی است. اگر به موارد زیر دقت کنید احساس خواهید کرد که در مقایسه با موارد قبلی نیازمند تأمل بیشتری هستید.

همانگونه که رشته‌های حقوق العمده تخصصی پزشکی مانع از این نمی‌شود که ما برای حفظ سلامتی مواد از اصول کلی بهداشت آگاهی یابیم رشته‌های تخصصی حقوق نیز مانع از این نیست که برای حفظ حقوق خود و پرهیز از مواجهه با دستگاه قضایی از اصول کلی آن آگاهی یابیم.

۱) و شوهری در مال جدا شدن از یکدیگر هستند . هر دوی آنها نگهداری از فرزند مشترک و تملک برخی از اموال را حق خود می‌دانند .

شخصی قطعه زمینی را از فردی خریده و اقدام به ساخت منزل مستقونی در آن نموده است. اکنون که در منزل فوق مستقر می‌باشد صاحب واقعی پیدا می‌شود و مشخص می‌گردد که فروشنده به صورت تقلبی (زمین را فروخته و اکنون نیز متواری است . مال صاحب زمین مدعی است که زمین متعلق به اوست و شخص ساکن خانه نیز مدعی است که تکلیف بنا و ساخت و ساز وی چه می‌شود؟

در تمام این موارد ، چنانچه طرفین اختلاف نتوانند از راه های عادی و با وساطت دیگران ، اختلاف خود را رفع نمایند ناگزیر به دادگاه مراجعه خواهند کرد و دادگاه پس از رسیدگی به اختلاف آنها ، صاحب حق را تشخیص خواهد داد و با استفاده از قدرت خود حق وی را در اختیار او خواهد نهاد . اما در اینگونه موارد به این دلیل که ماهیت دعوا حقوقی است قاضی دادگاه مجازات یا کیفری را برای یکی از طرفین دعوا در نظر نخواهد گرفت و فقط به ادای حق به صاحب آن اکتفا خواهد کرد.

البته قاضی نیز برای تشخیص صاحب حق و رفع اختلاف به قوانین ناظر بر موارد فوق مراجعه می کند. در حقیقت مجموعه قوانین مختلفی وجود دارد که شامل قواعد و مقررات لازم برای تنظیم روابط حقوقی افراد می باشند. برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- قانون مدنی
- قانون تجارت
- قانون مسئولیت مدنی
- قانون ثبت
- قانون روابط موجر و مستأجر

علاوه بر آنها قوانین پراکنده دیگری نیز وجود دارد که قاضی در حکم خود از آنها استفاده می کند و به استناد آنها رأی صادر می نماید.

حال وقتی ماهیت یک دعوی حقوقی است نحوه مراجعه شما به دادگاه، طرح دعوا و روال رسیدگی دادگاه، صدور حکم و بعد همچنانکه گفته خواهد شد اعتراض شما به حکم دادگاه بر اساس مقررات و ترتیبات خاصی خواهد بود.

این ترتیبات و مقررات در قانون خاصی پیش بینی شده است که تحت عنوان "آیین دادرسی مدنی" یا به بیان دقیقتر "قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور حقوقی" نامیده می شود.

آشنایی شما از
مقررات و مفاهیم کلی
قوانین مختلف عامل
مؤثری در افزایش دقت
اعمال حقوقی شما
خواهد بود.

دعاوی کیفری

در بخش دعاوی حقوقی مثالی ذکر شد مبنی بر اینکه شخصی درب یکی از اتاقهای خانه اش را باز می کند و مشاهده می نماید بر اثر بی مبالائی همسایه و نفوذ آب، خانه اش آسیب دیده است. حال تصور کنید همین شخص درب خانه اش را باز می کند و مشاهده می کند که تمام وسایل با ارزش خانه اش به سرقت رفته است. طبیعی است در این حالت موضوع از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است و لذا بلافاصله پس از شکایت فرد اقدامات لازم برای کشف سارق و محاکمه وی آغاز می شود. و در صورت پیدا شدن سارق، دادگاه نه تنها اموال مال باخته را از وی می گیرد و به صاحب اصلی باز می گرداند بلکه سارق را به مجازات های قانونی پیش بینی شده نیز محکوم می نماید.

در واقع در دعاوی کیفری تخطی از مقررات قانونی و تجاوز به حقوق دیگران از چنان اهمیتی برخوردار است که برای قانون شکنان مجازات های کیفری پیش بینی شده است. دعاوی کیفری می توانند به گونه ای باشند که دارای جنبه خصوصی یا جنبه عمومی یا هر دوی آنها باشند. به عنوان نمونه تصور کنید شخصی در میان جمع به کسی توهین می کند و با لفظ زشتی او را مخاطب قرار می دهد در این حال عمل فرد جرم محسوب می شود ولی دارای جنبه خصوصی است یعنی مادامی که شخص مورد توهین اقدام به شکایت نماید توهین کننده تعقیب کیفری نخواهد داشت. اما اگر شخص توهین کننده با انجام عمل خاصی که منافی عفت عمومی است به کسی توهین نماید عمل وی از جهت توهین به شخص دارای جنبه خصوصی اما از این جهت که عفت عمومی را جریحه دار ساخته است دارای جنبه عمومی می باشد و لذا بدون شکایت فرد مورد نظر نیز قابل تعقیب است.

به همین ترتیب جرایمی وجود دارند که صرفاً دارای جنبه عمومی هستند، وقتی کسی اقدام به جاسوسی برای بیگانگان می نماید عمدتاً شاکی خصوصی نخواهد داشت اما عمل وی به جهت آنکه منافع عموم جامعه را تهدید می نماید دارای جنبه عمومی است.

وجود مجازات در دعاوی کیفری علاوه بر اینکه فرد محکوم را در معرض رنجها و دشواریهای تحمل مجازات قرار می دهد دارای تبعات جانبی ناگواری نیز برای وی می باشد. کسی که به جرمی محکوم می شود حیثیت او در جامعه آسیب می بیند و مواجه با محدودیتهای نسبتاً زیادی می گردد و از بسیاری حقوق اجتماعی محروم می شود.

از طرف دیگر هر کسی که بر اساس اتهامی مورد تعقیب قرار می گیرد لزوماً

هر کسی که بر

گناهکار نیست و احتمال دارد

اساس اتهامی

در دادگاه تبرئه شود. به همین

مورد تعقیب قرار

سبب جهت حفظ حقوق و

می گیرد لزوماً

حیثیت افراد و در عین حال

گناهکار نیست و

حفظ منافع جامعه ترتیب طرح

اتهام دارد در

دعوی یا شکایت، ترتیب

دادگاه تبرئه نشود.

رسیدگی به اتهام در دادگاه و

اجرای حکم بر اساس مقررات

و قواعدی صورت می گیرد که

در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری پیش بینی گردیده است.

دادگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی به هر دو دسته

دعای محقق و کیفری را دارند. در هر استان یا شهرستان

شعبات مختلفی از دادگاههای عمومی وجود دارد.

هنگامی که دعایی در دادگستری مطرح می شود ابتدا در

اختیار رئیس دادگاه شعبه اول قرار می گیرد و وی پرونده

را جهت رسیدگی به یکی از شعبات دادگاههای عمومی

ارجاع می دهد و در شعبه مذکور پرونده مورد رسیدگی قرار

می گیرد و در نهایت حکم صادر می شود.

همچنین اصول مختلفی در ارتباط با دعاوی کیفری وجود دارد که رعایت آنها الزامی است و در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد. از میان آنها دو اصل بسیار اساسی قابل توجه است که عبارتند از:

اصل برائت

وقتی کسی به ارتکاب جرمی متهم می شود دو احتمال وجود دارد:

احتمال نخست این است که فرد متهم واقعاً جرم مورد نظر را انجام داده باشد که در این صورت محکوم خواهد شد و به کیفر عمل خود خواهد رسید.

احتمال دوم این است که فرد مورد نظر مرتکب واقعی جرم نباشد و صرفاً به دلیل وجود پاره ای دلایل و قرائن، عمل مجرمانه به وی نسبت داده شده است. بررسی احتمالات فوق و تشخیص نهایی طبق قانون بر عهده

دادگاههای صلاحیت دار نهاده	اصل بر برائت است
شده است. لذا پیش از آنکه	و هیچکس از نظر قانون
دادگاه نسبت به مجرمیت کسی	مجرم شناخته نمی شود
حکم صادر کند هیچ کس حق	مگر اینکه جرم او در
ندارد با وی به عنوان مجرم	دادگاه صالح ثابت گردد.
برخورد کند.	اصل ۳۷ قانون اساسی

اصل قانونی بودن جرم و مجازات

برای اینکه افراد جامعه از آسایش روانی و آرامش برخوردار باشند و آزادانه کار و فعالیت نمایند موارد جرم و مجازات در قوانین مشخص و کاملاً تعیین شده است لذا هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه در قانون جرم محسوب شده باشد. از سوی دیگر غیر از مجازاتهایی که در قانون پیش بینی شده است مجازات دیگری نمی تواند نسبت به مجرم اعمال شود.

دادگاه تجدیدنظر

قضایات شغل مهم و حساسی است و به همین جهت در انتخاب قضات شرایط قانونی نسبتاً دشواری پیش بینی شده است تا افراد صالح و شایسته به منصب قضا انتخاب شوند. با این حال قاضی نیز همانند هر شخص دیگری انسان است و لذا می‌تواند در مواردی اشتباه نماید و تصمیمات نادرستی اتخاذ کند و لذا تصمیم وی و حکمی که صادر می‌کند از دقت و صحت لازم برخوردار نباشد.

طبیعی است در چنین مواردی اعتراض به تصمیم قاضی حق مسلم هر فردی است. لذا دادگاههای تجدیدنظر به عنوان مرجعی برای اعتراض به احکام دادگاهها می‌باشند و با بررسی پرونده صحت حکم قاضی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

طبیعی است این دادگاهها همچنان که از نام آنها بر می‌آید ابتدائاً به دعاوی رسیدگی نمی‌نمایند بلکه در مرحله دوم به دعاوی مطروحه رسیدگی می‌کنند.

اعتراض به احکام دادگاهها و طرح آنها در دادگاه تجدیدنظر نیز دارای مهلت زمانی محدودی است و پس از سپری شدن مدت زمان مذکور حکم صادره قطعی محسوب می‌شود و دیگر قابل اعتراض نیست.

دادگاه‌های اختصاصی

همچنان که در ابتدای بحث دادگاه‌ها اشاره شد دادگاههای اختصاصی دادگاههایی هستند که به اعتبار ماهیت و نوع دعوا یا به اعتبار افراد و طرفین دعوا تشکیل می‌گردند و عبارتند از:

دادگاههای نظامی

مجموعه دادگاهها و دادرهای نظامی تحت عنوان کلی سازمان قضائی نیروهای مسلح نامیده می‌شوند.

داد گاه انقلاب

داد گاه انقلاب از جمله مراجع اختصاصی است که بنا به مقتضیات انقلاب در سال ۱۳۵۸ شکل گرفت و امروزه صلاحیت آن محدود به رسیدگی به موارد زیر است:

۱- کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و مبارزه با افساد فی الارض

۲- تهمین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری

۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلمانان و ترور و تفریب مؤسسات بمنظور مقابله با نظام

۴- جاسوسی به نفع اجانب

۵- کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر

۶- دعوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی

داد گاه ویژه روحانیت

جایگاه خاص نهاد روحانیت در ایران و پایگاه معنوی این نهاد در جامعه باعث می گردد برای رسیدگی به تخلفات افراد روحانی، داد گاه خاصی تشکیل گردد و قضات آن از افراد روحانی انتخاب گردند تا ضمن آشنایی بیشتر آنها با مسائل اشخاص روحانی، رسیدگی و اتخاذ تصمیم به گونه ای باشد که ضمن مجازاتهای افراد خاطی، شأن روحانیت در جامعه دچار آسیب نگردد.

انتخاب رئیس داد گاه ویژه روحانیت نیز با مقام معظم رهبری است.

دادگاه انتظامی قضات

قضات نیز همانند دیگر افراد جامعه ممکن است مرتکب تخلفاتی گردند. در این گونه موارد، دادگاه خاصی وجود دارد که تحت عنوان **دادگاه انتظامی قضات** به تخلفات آنها رسیدگی می نماید.

اصل ۱۶۸ قانون اساسی:

به جرائم سیاسی و جرائم مطبوعاتی در دادگاه های عمومی رسیدگی می شود و دادگاه خاصی برای آنها در نظر گرفته نشده است اما به دلیل این که جرائم سیاسی یا مطبوعاتی در مقایسه با جرائم عادی، از ویژگی های متفاوتی برخوردارند، برای رسیدگی به آنها حضور هیئت منصفه و علنی بودن جلسه دادگاه ضروری است.

آیت الله هاشمی شاهرودی:

ایجاد امنیت عمومی برای تک تک افراد؛ ایجاد امنیت ملی در مسائلی که بر علیه امنیت ملی است و ایجاد امنیت دینی و امنیت ارزشهای اسلامی و حفظ ارزشها و احکام الهی و اسلامی بر عهده دستگاه قضائی است.

ارکان و سازمان های قوه قضائیه

علاوه بر دادگاه‌هایی که به آنها اشاره شد قوه قضائیه از چند رکن و سازمان اصلی نیز برخوردار است که عبارتند از:

۱- دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور عالیت‌ترین مرجع قضایی کشور محسوب می‌شود. بر اساس آنچه که در قانون اساسی پیش بینی شده است مهم ترین وظیفه دیوان عالی کشور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی است.

در حقیقت بر اساس اصل ۱۶۱ قانون اساسی احکام صادره از سوی دادگاه‌های مختلف باید مستند به قانون باشد. به همین جهت چنانچه هر کدام از طرفین یک دعوا احساس کنند حکمی که از سوی دادگاه صادر شده است دارای اشکالات قانونی است طبق ضوابط و شرایط پیش بینی شده در قانون می‌توانند نقض آن را از دیوان عالی کشور درخواست کنند.

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انفاذ مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن ممول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل ۱۶۱ قانون

در این صورت پرونده در یکی از شعبات دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و چنانچه در حکم مذکور مغایرت با قانون مشاهده شود از سوی شعبه مربوطه دیوان عالی کشور نقض می‌شود.

یکی از وظایف اصلی دیوان عالی کشور ایجاد وحدت رویه قضائی است. طریقه ایجاد وحدت رویه قضائی از سوی دیوان عالی کشور نیز به این صورت است که گاهی احتمال دارد قضات استنباط و برداشت های متفاوتی از یک قانون داشته باشند. این امر می تواند در میان قضات دیوان عالی کشور نیز اتفاق افتد. در چنین مواردی موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور که با حضور حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور تشکیل می شود مطرح می گردد و تصمیمی که در هیئت مذکور گرفته می شود با عنوان **رأی وحدت رویه** خوانده می شود و شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها ناگزیر از پذیرش رأی مزبور هستند و نمی توانند مخالف آن حکم نمایند.

علاوه بر موارد فوق، دیوان عالی کشور برخی وظایف دیگر را نیز برعهده دارد که در قوانین پیش بینی شده است.

۲- دیوان عدالت اداری

نهادهای و دستگاههای دولتی و عمومی برای انجام وظایف خود غالباً مبادرت به صدور آئین نامه ها و یا نظاماتی می نمایند که در مواردی ممکن است آئین نامه های صادره و یا تصمیماتی که از سوی نهادهای مذکور اتخاذ می گردد با مقررات قانونی مطابقت نداشته باشد. بر اساس اصل ۱۷۰ قانون اساسی «**قضات دادگاه ها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آئین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند.**» و بر اساس همان اصل «**هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.**»

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا وادعا یا آئین نامه‌های دولتی و امحاق حقوق آنها، دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل ۱۷۳ قانون اساسی.

بر اساس ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۶۰ موارد زیر در حیطه صلاحیت دیوان عدالت اداری است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف) تصمیمات و اقدامات وادعای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها.

ب) تصمیمات و اقدامات مأمورین وادعای مذکور در بند الف راجع به وظائف آنها.

پ) آئین نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مغالفت مدلول آنها با قانون و امحاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم مناسبت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تفل در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری، هیأت‌های بازرسی و کمیسیون‌های مانند کمیسیون‌های مالیاتی، شورای کارگاه، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها، کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و منابع طبیعی متحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولین قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمین واحدها و موسسات مذکور در بند یک و مستخدمین موسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشگری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی.

۳- سازمان بازرسی کل کشور

گسترده‌گی دستگاه اداری دولت و کارگزاران آن، همواره این خطر را به دنبال دارد که گاهی در بخشی از آن، مقررات قانونی نادیده گرفته شوند و تخلفاتی صورت گیرد و با توجه به این که نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه اداری از جمله وظایف قوه قضائیه است، سازمان بازرسی کل کشور به عنوان یکی از سازمان های اصلی قوه قضائیه این مهم را به انجام می‌رساند.

براساس قانون تشکیل سازمان بازرسی مصوب سال ۱۳۶۰ عمده وظایف این سازمان عبارتند از:

۱- بازرسی مستقیم کلیه وزارتخانه ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و موسسات عام المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه و سهام آن متعلق به دولت است یا دولت به نامی از آنها بر آنها نظارت یا کمک می نماید .

۲- انجام بازرسی های فوق العاده مسبب الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئولان دستگاه های اجرایی ذیربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده بشود .

اصل ۱۷۴ قانون اساسی :

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد. حدود اختیارات و وظائف این سازمان را قانون تعیین می کند .

۳- اعلام موارد تلف و نارسائی ها و سوء جریانات اداری و مالی در فصوص وزارتخانه و نهادهای انقلابی به (رئیس جمهور) در فصوص مؤسسات و شرکت های دولتی و وابسته به دولت به وزیر وزارتخانه ذیربط و در فصوص شهرداریها به (رئیس قوه قضائیه) و در فصوص مؤسسات غیردولتی کمی بگیر از دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی. البته باید توجه داشت که سازمان بازرسی کل کشور صرفاً پس از انجام تحقیق و بررسی، گزارش آن را به مقامات ذیربط ارسال می نماید و خود مبادرت به تصمیم گیری نمی نماید.

قوه قضائیه رکنی است که
با سلامت و استقامت و صلاح
آن تمام مملکت در
دستگاه های اجرایی و در
بخش های مختلف مدیریت و
سازماندهی اداری کشور و
در سطح جامعه به مسرور از
بین خواهد رفت .

مقام معظم رهبری

۴- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی

این سازمان به عنوان یکی از سازمان‌های اصلی قوه قضائیه وظیفه اجرای مجازات محکومان به حبس را به عهده دارد. در عین حال این سازمان تلاش می‌کند تا دوران زندان به گونه‌ای باشد که در طی آن، زندانیان اصلاح شده و به عنوان افرادی مفید وارد جامعه شوند.

۵- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

مهمترین وظیفه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ثبت اسناد، ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری، ثبت اختراعات و علائم و ثبت ازدواج و طلاق می‌باشد.

۶- دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری

این دانشکده وابسته به قوه قضائیه بوده و در سال ۱۳۶۱ جهت تأمین کادر قضائی مورد نیاز قوه قضائیه تشکیل شده است و لذا فارغ التحصیلان آن پس از طی دوره کارآموزی بر مسند قضا می‌نشینند.

۷- سازمان پزشکی قانونی کشور

سازمان پزشکی قانونی کشور یک نهاد کارشناسی وابسته به قوه قضائیه است که نظرهای کارشناسی آن برای دادگاه‌ها، نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌های دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۸- روزنامه رسمی کشور

روزنامه رسمی کشور یکی از سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه است که مهمترین وظیفه آن انتشار قوانین و مقررات و همچنین مذاکرات مجلس شورای اسلامی است.

دادسراها

با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳، دادسراها که در معیت دادگاهها فعالیت می‌کردند بنا به دلایلی از سیستم قضایی کشور حذف شدند.

با قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ زمینه برای احیای مجدد دادسراها در سیستم قضایی کشور آماده گردید.

۱- مفهوم و جایگاه دادسرا

برای رسیدگی به دعاوی کیفری پنج مرحله پیش‌بینی شده است که عبارتند از:

۱- کشف

۲- تعقیب

۳- تحقیق

۴- حکم

۵- اجرای حکم

دادسرا نهادی قضایی است در کنار دادگاههای عمومی و انقلاب که مرکب از دادستان و تعدادی دادیار و بازپرس، که اصلی‌ترین وظیفه آن کشف جرم، تعقیب مجرمین و انجام تحقیقات مقدماتی و در صورت لزوم صدور کیفرخواست و دفاع از آن در دادگاه است.

دادستان یا مدعی العموم مقام قضایی است که به عنوان رئیس ضابطین دادگستری، برای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر اجرای قوانین مطابق مقررات قانونی انجام وظیفه می نماید. در مواردی که جرم و ایجاد ضرری دارای شاکی خصوصی نباشد که به نوعی موجب خسارت جامعه شده باشد، دادستان به نمایندگی از طرف مردم، علیه مرتکبین، اقامه دعوا خواهد نمود. به علاوه دادستان وظیفه حفظ حقوق کودکان و افراد غیر رشید، مجانین و غائبین مفقودالآثر و همچنین حفظ و نگهداری ترکه در موارد قانونی را بر عهده دارد. همچنین در حوزه قضایی شخصاً یا به وسیله دادیاران جرایم ارتكابی در آن حوزه را مورد تحقیق و تعقیب قرار داده و در صورت لزوم از متهم تأمین احتیاطی اخذ می نماید. در اموری که به بازپرس ارجاع می شود دادستان حق دادن تعلیمات لازم را دارد و در اعمال وظایف خود دارای اختیارات وسیعی است، لذا در مواقع ضروری می تواند از نیروی انتظامی و سایر ضابطین کمک بخواهد و آنها نیز موظفند اوامر دادستان را اجرا نمایند در غیر این صورت متخلف محسوب می شوند.

معاون دادسرا مقام قضایی است که در غیاب دادستان دارای کلیه اختیارات و وظایف قضایی و اداری دادستان است و در حضور دادستان نسبت به اموری که به وی تفویض می گردد، انجام وظیفه می نماید. از این رو بنا بر وسعت دادسرا، ممکن است دادستان از بین دادیاران، فرد یا افرادی را که دارای سابقه و تجربه بیشتری باشند، به عنوان معاون تعیین و اظهار نظر و اجرای احکام و یا سرپرستی

اموال صغار و مجانین و اموال بلاصاحب و ترکه بلاوارث
را به وی ارجاع بدهد.

ج - دادیار

دادیار مقام قضایی است که در دادسرا تحت ریاست و نظارت دادستان انجام وظیفه می نماید و از حیث اظهارنظر و رأی تابع دادستان است. با ارجاع دادستان عهده دار امور سرپرستی، تحقیقات مقدماتی، اجرای احکام و سایر وظایفی که بعهدہ دادستان است خواهد بود. دادیار هنگام حضور در دادگاه جهت دفاع از کیفرخواست، به نام دادستان بیان عقیده می نماید و همچنین در رابطه با اجرای احکام، مطابق مقررات انجام وظایف خواهد نمود.

د - بازپرس

از دیگر قضات دادسرا بازپرس می باشد که رأساً و بیا به تقاضای دادستان از متهمان تحقیق و عنداللزوم قرار تأمین اخذ می نماید. بازپرس پس از ارجاع پرونده به تقاضای دادستان به جمع آوری دلایل تحقیق از متهم و سایر افراد مظنون و بررسی سایر ادله خواهد پرداخت و در صورت ضرورت تأمین لازم اخذ و نهایتاً مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب یا قرار مجرمیت خواهد نمود. بازپرس در اظهارنظر مکلف به تبعیت از دادستان نیست و اصولاً عهده دار رسیدگی به جرایم مهمی است که در صلاحیت محاکم کیفری استان قرار دارد.

دادسرا، منشأ اقتدار دستگاه

قضایی است.

آیت الله هاشمی شاهرودی

۳-وظایف و اختیارات دادسرا

الف - در مرحله تعقیب و تحقیق:

در صورتی که جهات قانونی برای شروع به تحقیق (مانند شکایت و اعلام مدعی خصوصی، اعلام نیروی انتظامی، اظهار و اقرار مقصر، تکلیف قانونی دادستان، جرایم مشهود) فراهم باشد، ابتدا دستور تحقیق مقدماتی در خصوص موضوع صادر و یا رأساً به تحقیق و جمع آوری دلایل مبادرت می نماید. اگر انتساب بزه به متهم محرز و مسلم باشد، با توجه به نوع جرم و شخصیت مجرم قرار تأمین متناسب اخذ می شود و نهایتاً در صورتی که وی مجرم باشد، دادستان کیفرخواست صادر خواهد نمود و اگر تحقق جرم و یا انتساب آن به متهم محرز نباشد و یا متهم فوت نموده باشد یا موضوع به سازش رسیده و قابل گذشت باشد، حسب مورد قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر می گردد.

ب - در مرحله دادرسی:

دادسرا پس از تنظیم کیفرخواست (کتبی یا شفاهی) آن را جهت رسیدگی به دادگاه ذیصلاح ارسال می دارد و چون دادسرا به نمایندگی از جامعه عنوان مدعی و طرف دعوای کیفری محسوب می شود، دادستان و یا یکی از دادرسان در دادرسی شرکت و نسبت به دفاع از کیفرخواست اقدام می نماید. همچنین دادسرا نسبت به حقوق متهم توجه داشته و چنانچه وی را مستحق تخفیف، تبدیل یا معافیت از مجازات تشخیص دهد و یا اگر دلایلی مبنی بر بیگناهی وی کشف شود، مراتب را به دادگاه اعلام می نماید.

ج - در مرحله اجرای احکام:

در مرحله اجرای احکام چنانچه دادسرا ایراد و اشکال قانونی در آن یافت، مراتب را به قاضی صادر کننده حکم اعلام می نماید، در غیر این صورت با رفع اشکال و ایراد و قطعیت حکم، نسبت به اجرای مفاد آن اقدام می نماید. دادستان برای اجرای حکم به مامورین، آموزشهای لازم را داده و نظارت در صحت اجرا و عدم تعویق و تعطیل آن می نماید. ضابطین نیز مکلفند که بر طبق مفاد حکم و تعلیمات دادستان، اقدام نمایند.

**احیای دادسرا، گام
مثبت و مهمی است و از
ارکان توسعه قضایی
می باشد.**

آیت الله هاشمی شاهرودی

شوراهای حل اختلاف

ایجاد فرهنگ صلح و سازش و داوری بدون مراجعه به محاکم از موضوعات مورد توجه و تاکید رئیس قوه قضائیه است. یکی از راههای تحقق این موضوع، ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در آن تشکیل شوراهای حل اختلاف پیش‌بینی شده است. بر اساس این ماده:

به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکتهای مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شورای حل اختلاف واگذار می‌گردد.

اهداف تشکیل شوراهای حل اختلاف،

هدف از ایجاد شوراهای حل اختلاف که در ماده مذکور نهفته است، علاوه بر سپردن امور مردم به آنان در امور خلاقی و دعاوی کم‌اهمیت که ماهیت قضایی ندارند و یا ماهیت قضایی آنها از پیچیدگی کمتری برخوردار است عبارتند از:

- ۱- آمیازی فرهنگ صلح و سازش در میان مردم که با فرهنگ اسلامی و دینی منطبق است و رشد این تفکر در اذهان که دادگستری تنها مرجع فصل خصومت نبوده بلکه رفع اختلافات از طریق تصمیم‌منشی به صلاح طرفین دعا و جامعه است.
- ۲- جلوگیری از طرح دعاوی ساده در مراجع قضایی و مقه‌مه نمودن آن در مرجع غیر قضایی.
- ۳- کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم قضایی و در نتیجه جلوگیری از انباشت پرونده‌ها در دادگستری.
- ۴- سرعت در حل و فصل اختلافات و خصوصیات.

برخی از دیگر امتیازات شوراهای حل اختلاف:

- ✓ طرح شکایت یا دعوا، اعتراض و تجدید نظرخواهی و اجرای آرا در شوراهای حل اختلاف مجانی است.
- ✓ رسیدگی در شوراهای حل اختلاف تابع تشریفات خاصی نیست.

در این روش داوران مثل قضات خود را در چهارچوبهای مرسوم و متداول قانونی محصور ندانسته و آنچه را لازم باشد برای اصلاح ذات‌الیین انجام می‌دهند.

نحوه انتخاب اعضای شوراهای حل اختلاف:

اعضای شوراهای حل اختلاف از میان داوطلبین معتمد مردم پس از تایید صلاحیت، توسط هیأتی مرکب از رئیس حوزه قضایی، فرماندار، فرمانده نیروی انتظامی محل، رئیس شورای شهر یا بخش یا روستای مربوطه و امام جمعه محل و در صورت نبودن امام جمعه، روحانی برجسته محل انتخاب می‌شوند.

کار در شورای حل اختلاف افتخاری است و اعضا حقوقی دریافت نمی‌کنند.

قضات و کارکنان دادگستری، اعضای نیروهای نظامی و انتظامی، استانداران، فرمانداران، شهرداران، بخشداران، دهداران، روسای ادارات، معاونین و مدیران دولتی، اعضای هیأت مدیره شرکتهای دولتی، وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری، سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی نمی‌توانند به عضویت شوراهای حل اختلاف درآیند.

صلاحیت شوراهای حل اختلاف:

مقصود از صلاحیت شوراها در رسیدگی، تکلیف و الزامی است که بر اساس قانون برای رسیدگی به شکایت یا دعوا به آنها اعطا شده است. با این توضیح شوراهای حل اختلاف دارای دو صلاحیت است؛ صلاحیت اولیه (صلاحیت ذاتی) و آن عبارت از صلاحیت شورا در مذاکره و ایجاد سازش در کلیه جرایم قابل گذشت است. در این موارد شوراها صلاحیت رسیدگی و صدور حکم نداشته و صرفاً سعی در ایجاد سازش می نمایند.

صلاحیت ثانوی زمانی مطرح می شود که طرفین صلح و سازش نکرده باشند و باید موضوع رسیدگی و حکم صادر گردد. در این خصوص شوراها در امور جزایی کلیه جرایم با مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز، کلیه جرایم با مجازات نقدی تا پنج میلیون ریال و در امور مدنی نیز به دعاوی با خواسته تا ده میلیون ریال رسیدگی و حکم صادر می کنند.

باید فرهنگ صلح و سازش و داوری بدون مراجعه به محاکم در جامعه ایجاد شود.

آیت الله هاشمی شاهرودی

مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه

بالا بودن هزینه‌های مرسوم به مشاوره حقوقی مانع دسترسی عموم افراد به اینگونه خدمات می‌شود و لذا ارایه خدمات مشاوره حقوقی با هزینه‌های متعادل، اقشار بیشتری از مردم را قادر به بهره‌گیری از اینگونه خدمات تخصصی خواهد کرد و در عین حال روند رسیدگی را صحیح‌تر، آسانتر و به موازین عدالت نزدیکتر خواهد کرد.

قوه قضائیه بر اساس وظیفه ذاتی خود جهت احیای حقوق عامه و گسترش عدل تلاش کرد در قالب قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی اقتصادی ماده‌ای جهت اجرایی کردن یکی از محورهای توسعه قضایی گنجانده شود. در نتیجه طبق ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه قوه قضائیه اجازه یافت تا با برگزاری آزمون و احراز صلاحیت کسانی که شرایط اشتغال به امر مشاوره حقوقی را دارا هستند آنها را بعنوان مشاوران حقوقی به جامعه معرفی کرده و به آنها پروانه فعالیت حقوقی دهد.

در حال حاضر هیأتی مرکب از معاون قضایی رئیس قوه قضائیه (رئیس هیأت)، رئیس مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان، معاون آموزش و تحقیقات، دبیر هیأت مرکزی گزینش قوه قضائیه و سه تن از اساتید دانشگاه در رشته حقوق یا قضات عالی رتبه دارای پایه قضاتی ۹ به بالا، وظایف زیر را بر عهده دارد

- (الف) تعیین تعداد مشاور حقوقی یا کارشناس مورد نیاز در هر سال
- (ب) اعطای مجوز کارآموزی مشاوره حقوقی، وکالت و کارشناسی
- (ج) نظارت و پیگیری بر حسن اجرای مقررات آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه
- (د) نظارت و پیگیری نسبت به عملکرد مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان

- (ه) بررسی گزارشات تخلفات مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان
- (ز) انتصاب رئیس مرکز امور مشاوران حقوقی

حقوق فردی

مطابق آنچه که در اصل ۱۵۶ قانون اساسی آمده است قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است و یکی از وظایف محوله بر آن نیز «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع است» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موارد روشنی از حقوق فردی و آزادی‌های مشروع مورد تصریح قرار گرفته است که نشانگر اوج توجه نظام جمهوری اسلامی ایران به این گونه آزادی‌هاست. در اینجا با توجه به اهمیت آنها و نقش قوه قضائیه در پشتیبانی از آنها، برخی از اصول مذکور بدون هیچگونه توضیحی می‌آید.

اصل سی و دوم :

هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم :

هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم:

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.

اصل سی و پنجم:

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم:

حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم:

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم:

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و نهم:

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

وکالت در دادگستری

پیچیدگی کار قضا و دادرسی به گونه‌ای است که غالب افراد عادی به سختی می‌توانند در دادگاه‌ها از حقوق خود دفاع کنند و گاهی ناگزیر حقوق آنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. دلیل این امر آن است که دادگاه صرفاً بر اساس اظهارات طرفین دعوا و مدارک، اسناد و دلایلی که ابراز می‌نمایند تصمیم می‌گیرد. لذا گاه ممکن است طرفین دعوا بر اثر ناآگاهی، از ارائه سند یا مدرکی که ممکن است باعث اثبات حق آنها شود، خودداری کنند و یا مطالبی را بیان نمایند که بر علیه خود آنها قابل استناد باشد. به همین سبب بهترین شیوه برای طرح دعوا در دادگستری و یا دفاع از دعوایی که علیه شخص مطرح شده است استفاده از وکلای دادگستری است. وکلا و مشاوران حقوقی با توجه به تخصصی که در زمینه حقوق و مسائل قضائی دارند به راه‌های صحیح دفاع از حق آشنایی دارند و طبیعی است بسیار بهتر از افراد عادی می‌توانند از حق دفاع کنند.

در سال‌های اخیر بر طبق
ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم
به قوه قضائیه این اختیار داده
شده است تا طبق شرایط
قانونی از بین فارغ
التحصیلان حقوق، افرادی را
به عنوان مشاوران حقوقی
انتخاب نماید تا استفاده از
خدمات حقوقدانان، برای
عموم مردم تسهیل گردد.

اهداف توسعه قضائی در محور قضاوت از دیدگاه ریاست محترم قوه قضائیه :

- ۱- احقاق حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع
- ۲- سرعت ، دقت ، بی طرفی و عدالت در فصل خصومت
- ۳- برخورداری همه آحاد حقیقی و حقوقی به دادرسی و سهولت دسترسی به آن برای همگان
- ۴- حفظ و حمایت از حرمت انسانها و برخورداری هر متهمی از حق دفاع
- ۵- شفافیت و علنیت در دادرسی
- ۶- اعتماد سازی و جلب اطمینان مردم
- ۷- قطعیت و قاطعیت و سرعت اجرای احکام
- ۸- صلاحیت، شایستگی، استقلال و تاثیرناپذیری کادر قضایی

آیت الله هاشمی شاهرودی:

توسعه قضائی عبارت است از برخورداری دستگاه قضائی از اقتدار بیشتر در تحقق بخشیدن به اهداف و وظایف خود در عرصه قضاوت .

برخی از اقدامات ریاست قوه قضائیه در راستای اصلاح ساختار تشکیلاتی قوه قضائیه:

- ۱- تاسیس معاونت اول برای رئیس قوه قضائیه که خود باعث رفع موانع و مشکلات بسیاری در سافتار اداری و قضایی قوه قضائیه شده است و کام بسیار بلندی در نیل به توسعه قضایی محسوب می‌گردد.
- ۲- تبدیل و ارتقای اداره کل آموزش قوه قضائیه به معاونت آموزش و تمقیقات که ارزش این اقدام ریاست قوه قضائیه در یک سال گذشته با اقداماتی که در این معاونت صورت گرفته به خوبی ظاهر گشته است.
- ۳- انتقال امور اداری و مالی و پشتیبانی و نیز طرح و برنامه از وزارت دادگستری به مرکز قوه قضائیه.
- ۴- تاسیس معاونت امور بین الملل برای ایجاد ارتباطات بین المللی و نیز همکاری قضایی بین کشورهای اسلامی و موارد دیگر.
- ۵- تاسیس معاونت امور اجتماعی و اطلاع رسانی در جهت اطلاع رسانی دقیق و شایسته به افکار عمومی . ایجاد ارتباط دو سویه بین مردم و دستگاه قضایی و بررسی بازتابها و پژوهشهای عملکرد دستگاه قضایی در جامعه و انعکاس آن به ریاست ممتزم قوه قضائیه.
- ۶- تاسیس بازرسی ویژه قوه قضائیه و تلاش در جهت نهادینه کردن فرهنگ نظارت و بازرسی.
- ۷- تاسیس مرکز حفاظت اطلاعات کل قوه قضائیه زیر نظر مستقیم رئیس قوه قضائیه.
- ۸- تبدیل دفتر ریاست به نهاد ریاست قوه قضائیه با چارت تشکیلاتی جدید.
- ۹- انتصاب مشاوران مختلف و بهره بردن از نظرات کارشناسی مشاوران در زمینه‌های فنی ، اقتصادی ، اجتماعی ، طرح و برنامه ، بین المللی و موارد مختلف دیگر.
- ۱۰- تاسیس دفتر اصل ۱۴۲ قانون اساسی.
- ۱۱- تاسیس دفتر سفنگوی قوه قضائیه.
- ۱۲- تاسیس شورایعالی توسعه قضایی.

ملاقات‌های مردمی

به منظور ارتباط نزدیک‌تر و آسان‌تر مسئولان قوه قضائیه با مردم، رئیس، معاونان، روسای سازمانهای تابعه قوه قضائیه و روسای کل دادگستری‌های سراسر کشور حداقل یک روز در هفته را به رسیدگی حضوری به مشکلات قضایی مردم اختصاص داده‌اند.

مردم نقاط مختلف کشور برای ملاقات حضوری با رئیس قوه قضائیه می‌توانند درخواست کتبی خود را همراه با رونوشت احکام و مدارک با پست سفارشی به صندوق پستی

۱۳۱۸۵-۶۹۳

و یا به آدرس

تهران، خیابان ولیعصر، روبروی خیابان
جامی، مرکز نظارت و پیگیری شکایتها و
ملاقات‌های مردمی

ارسال نمایند.

همچنین هموطنان عزیز می‌توانند در تمامی ساعات شبانه‌روز نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را جهت ارائه به رئیس قوه قضائیه با پست صوتی

(۰۲۱) ۶۹۵۷۷۰۹

در میان بگذارند.

مشاوره حقوقی

هموطنان ارجمند در صورتی که با مسائل حقوقی و قضایی مواجه باشند می توانند مشکلات خود را به صورت تلفنی با کارشناسان حقوقی قوه قضائیه مطرح نمایند و پاسخها یا راهنمایی های مقتضی را دریافت کنند. در حال حاضر سه نهاد زیر چنین خدماتی را ارائه می کنند:

اداره کل روابط عمومی قوه قضائیه

کارشناسان حقوقی اداره کل روابط عمومی قوه قضائیه از ساعت ۱۴ الی ۱۸ هر روز آماده پاسخ گویی به مسایل حقوقی و قضایی مردم اند.

تلفن تماس: ۶۹۵۷۷۱۱ (۰۲۱)

معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه

تلفنهای تماس: ۲۳۷۶۸۴۷ (۰۲۱)

۲۳۷۶۸۴۰ (۰۲۱)

مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه

قضائیه

تلفنهای تماس: ۸۷۴۲۲۶۱ (۰۲۱)

۸۷۴۲۶۶۲ (۰۲۱)

۸۷۴۱۹۶۳ (۰۲۱)

سایر مجتمع‌های قضایی

۱- مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت

- در این مجتمع قضایی شعب ۱۴۰۱ تا ۱۴۲۰ دادگاههای عمومی فعالیت دارند و به جرایم ذیل رسیدگی می‌نمایند.

الف) کلیه جرایم وزراء، استانداران، فرمانداران، قضات و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شکایات علیه مسئولین سازمانهای دولتی و مدیران کل استانها و رؤسای ادارات شهرستانهای استان تهران و شکایات علیه شهرداران مراکز شهرستان های استان تهران.

ب) جرایم اختلاس و تصرف غیرقانونی و ارتشاء کلاهبرداری موضوع قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۴/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی و کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی و کارمندان شهرداریها و کلیه شهرداران شهرستانهای استان تهران در صورتیکه مبلغ رشوه از پنج هزار ریال و مبلغ مورد اتهام در سایر جرایم از سی هزار ریال بیشتر باشد.

ج) جرایم عمومی پرسنل امنیتی و انتظامی و نیز پرسنل رده بالای نظامی، جرایم اتباع خارجی به جزء افاغنه، انجام نیابتهای خارجی، تخلفات ارزش حسب اعلام بانک مرکزی و جرایم مطبوعاتی.

نشانی: خیابان مطهری، خیابان میرعماد

تلفن ۸۷۵۰۰۲۱-۳۰

۲- مجتمع قضایی خانواده ۱ و ۲

- این مجتمع قضایی پرونده‌های مربوط به دعاوی خانوادگی در تهران را مورد رسیدگی قرار می‌دهد.
- در این مجتمع قضایی شعب ۱۷۰۱ تا ۱۷۳۰ دادگاههای عمومی مستقر هستند.

نشانی: ۱- اتوبان آهنگ، خیابان نبرد، جنب شهرداری

تلفن: ۳۰۰۹۱۱۳-۱۸

۲- ضلع شمال شرقی میدان ونک

تلفن: ۸۷۷۳۶۲۱-۲۴

۳- دادسرای ویژه رسیدگی به امور بهداشتی و پزشکی

نشانی: خیابان شهید مطهری، نبش خیابان گلریز،

روبروی پست بانک

تلفن: ۸۳۲۸۹۸۲

۴- مجتمع قضایی اطفال (شهید فهمیده)

- این مجتمع در محل مجتمع قضایی شهید بهشتی

واقع گردیده و رسیدگی به جرایم اطفال زیر هیجده

سال را بر عهده دارد.

نشانی: اول اتوبان تهران کرج، نرسیده به عوارضی قدیم

تلفن: ۴۰۶۴۴۶۷-۸

۵- دادرای ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی

- این مجتمع مأمور رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی کلان می‌باشد.
- در حال حاضر تنها دو شعبه ۴۱ و ۴۲ در این مجتمع فعال می‌باشند.

نشانی: خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه یازدهم
تلفن: ۸۵۰۰۶۵۱-۴

ارتباط با قوه قضائیه

پایگاه اینترنتی قوه قضائیه:

www.iranjudiciary.org

پایگاه اینترنتی اداره کل روابط عمومی قوه قضائیه

www.irjpr.org

پست الکترونیک روابط عمومی قوه قضائیه

E-mail:irjpr@iranjudiciary.org

تلفنهای روابط عمومی قوه قضائیه:

(۰۲۱) ۶۴۰۴۰۱۸

(۰۲۱) ۶۴۰۴۰۱۹

تلفنهای روابط عمومی دادگستری استان تهران:

(۰۲۱) ۸۸۰۳۲۵۸

(۰۲۱) ۸۹۱۰۴۶۵

پست صوتی قوه قضائیه:

(۰۲۱) ۶۹۵۷۷۰۹



ستاد بزرگداشت
هفته قوه قضائیه